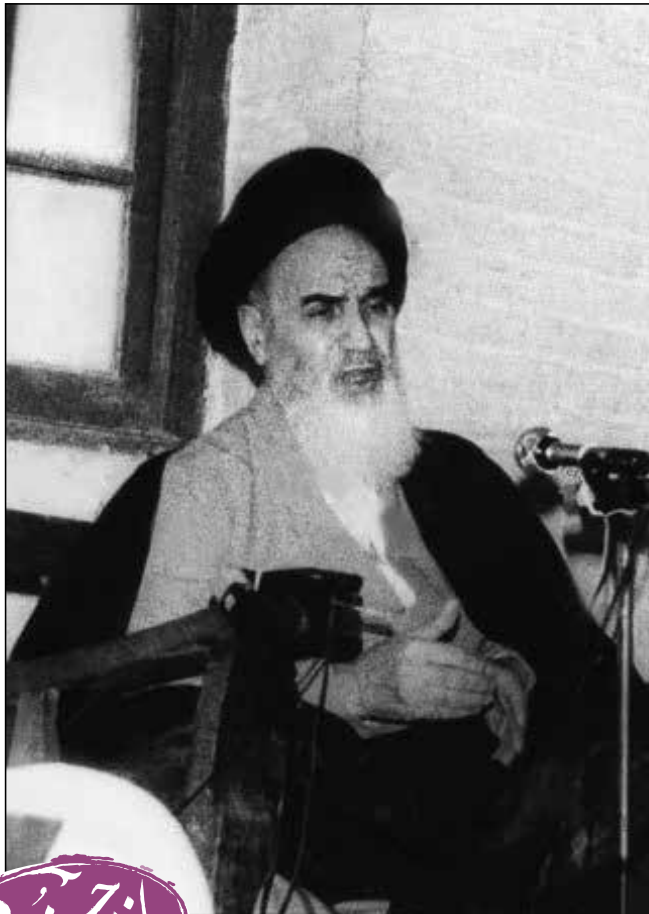


---

# انتظار فرج از نیمه خرداد کشم





فصلنامه تخصصی

در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر

شماره ۶۲

دوره سوم - سال هفدهم

زمستان ۱۳۹۸



فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر

دوره سوم - سال هفدهم - شماره ۶۲ - زمستان ۱۳۹۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر سید حمید روحانی

سر دبیر: دکتر مظفر نامدار

دبیر سرویس فلسطین: علیرضا سلطانشاهی

مدیر داخلی: مهدیه مرادپور

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا): دکتر بهادر امینیان، دکتر محسن خلیجی، دکتر علی ربانی خوراسگانی، حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید حمید روحانی، دکتر مجتبی زارعی، علیرضا سلطانشاهی، دکتر محمد شفیعی فر، دکتر حسین قریب، دکتر رامین خانگی، دکتر حسین کلباسی اشتری، دکتر منوچهر محمدی، دکتر مظفر نامدار

مدیر اجرایی: مهندس سید محمود حقی

صفحه آرا: آرام بدیعی دزفولی

ناشر: بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

پایگاه اطلاع رسانی: [www.iranemoaser.com](http://www.iranemoaser.com)

پست الکترونیک: [15khordad@iranemoaser.ir](mailto:15khordad@iranemoaser.ir)

[15khordad.mag@gmail.com](mailto:15khordad.mag@gmail.com)

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، خیابان دیباجی جنوبی، خیابان شهید تسلیمی، کوچه زاور، کوچه گل (دست راست)،

کوچه دادآفرین، کوچه صدر، پلاک ۶

تلفن: ۰۲۲۵۷۹۱۹۲-۵

نمبر: ۲۲۷۶۱۲۶۴

صندوق پستی: ۷۳۸۵-۱۹۳۹۵



## راهنمای نگارش و تنظیم مقالات فصلنامه پانزده خرداد

۱. مقالات در نشریه دیگر به چاپ نرسیده باشد و یا همزمان برای نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
۲. نویسندگان محترم مقالاتی را که جهت چاپ در فصلنامه پانزده خرداد می‌فرستند، حداکثر به مدت ۶ ماه از ارسال آن به نشریات دیگر خودداری نمایند.
۳. حجم مقالات ارسالی از ۲۵ صفحه تایپ‌شده تجاوز نکند. (هر صفحه ۲۵۰ کلمه)
۴. مقالات به صورت تایپ‌شده بر روی کاغذ A۴ و با واژه پرداز Word در دو نسخه ارایه شود.
۵. ارسال فایل مقالات در CD یا از طریق ایمیل الزامی است.
۶. مقالات به ترتیب ذیل تدوین شوند:  
عنوان مقاله؛ نام و نام‌خانوادگی نویسنده(گان)، همچنین آوردن رتبه علمی؛ مربی، استادیار و...، سازمان وابسته، آدرس، شماره تلفن نویسنده و آدرس ایمیل نویسنده(گان) ضروری است؛ چکیده، در حدود ۱۰۰ کلمه به زبان فارسی و در صورت امکان به زبان انگلیسی؛ کلیدواژه‌ها(تا ده واژه)؛ مقدمه؛ متن اصلی مقاله؛ نتیجه؛ فهرست منابع.
۷. ارجاعات، اعم از منابع و یادداشت‌ها با شماره‌های پیاپی در متن مشخص و با همان شماره به صورت پانوشت در پایان هر صفحه ذکر شود. (شیوه ارجاع برای کتاب: نام و نام‌خانوادگی نویسنده(گان)، نام کتاب (به صورت ایرانیک)، نام مترجم، محل نشر، نام ناشر، سال انتشار، شماره جلد، شماره صفحه و برای نشریات: نام و نام‌خانوادگی نویسنده(گان)، عنوان مقاله(داخل علامت گیومه)، نام نشریه(به صورت ایرانیک)، نام مترجم، سال نشریه، شماره نشریه، شماره صفحه می‌باشد).
۸. مقاله ترجمه‌شده باید حاوی موضوعات بدیع و متناسب با نیازهای علمی و فرهنگی کشور باشد و متن اصلی، ضمیمه ترجمه ارسال شود و در هر صفحه ترجمه، علاوه بر شماره صفحه‌های ترجمه، شماره صفحه متن اصلی نیز قید گردد.
۹. مسئولیت مقالات بر عهده نویسندگان است و نشریه پانزده خرداد پاسخگوی آرا و عقاید نویسندگان نیست. نشریه پانزده خرداد از بازگرداندن مطالب رسیده معذور است و حق چاپ مقالات پذیرفته‌شده برای مجله محفوظ است. نشریه پانزده خرداد در کوتاه‌کردن و ویرایش مطالب آزاد است.

### نحوه ارزیابی مقاله

مقاله رسیده در صورتی که با اهداف مجله مطابقت داشته باشد، توسط دو نفر از صاحب‌نظران ارزیابی می‌شود و در صورت کسب امتیاز لازم و تصویب اعضای هیئت تحریریه امکان چاپ می‌یابد. ملاک‌های ارزیابی مقالات عبارت‌اند از: ابتکار و نوآوری، اتقان تحلیل‌ها و استدلال‌ها، بهره‌گیری از منابع معتبر، نظم و پیوستگی مطالب، روانی و رسایی مطالب و تناسب با نیازها.





• سخن سردبیر..... ۹

• پرونده ویژه پنجاهمین سال طرح حکومت اسلامی و ولایت فقیه

درس‌های حکومت اسلامی امام خمینی در نجف اشرف و دشمنان آن / دکتر سید حمید

روحانی..... ۲۷

امام خمینی (ره) و ۲۳ قاعده عقلی در اثبات حکومت اسلامی و ولایت فقیه از کتاب کشف

اسرار..... ۷۳

امام خامنه‌ای و بایسته‌های اصولی یک جامعه ولایی..... ۹۷

نامه مرحوم ربانی شیرازی در مورد ولایت فقیه..... ۱۱۷

زمینه‌های نگارش کتاب کشف اسرار و پاسخ امام خمینی به افکار انحرافی حکمی زاده /

میثم عبداللهی..... ۱۲۹

مفهوم نظریه ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی / دکتر حمید عنایت، ترجمه سعید محبی.. ۱۶۷

• نقد متون، منابع و دیدگاه‌ها

تطهیر پهلوی در کتاب الف لام خمینی / سهراب مقدمی شهیدانی..... ۱۹۵

• از تاریخ

حساسیت رژیم پهلوی به رساله حکومت اسلامی امام خمینی به روایت گزارش‌های

ساواک..... ۲۱۷





## درس گفتارهای ولایت فقیه، منشوری (مانیفست) علیه نظم سکولار<sup>۱</sup>

### تمهید بحث

سیاست‌اندیشی، فعالیت مداوم ذهن اسلامی است. تردیدی نیست که انتزاع سیاست‌اندیشی از معارف اسلامی در دوران معاصر، غیرواقعی و به تعبیر امام خمینی، ساخته دست صهیونیسم و استعمار جهانی و مبلغین وابسته به آنها در حوزه‌های علمیه است.<sup>۲</sup> از منظر این سیاست‌اندیشی، برای نهضت امام خمینی دوره‌ای که از نگارش رساله کشف/سرار، سه سال بعد از سقوط دیکتاتوری سیاه رضاخان در سال ۱۳۲۳ آغاز و به درس گفتارهای ولایت فقیه در بهمن ۱۳۴۸ در نجف اشرف رسید و در نهایت زمینه‌ساز یک انقلاب بزرگ در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران شد، وحدت مشخصی دارد. این دوران مهم، سازنده حکمت جدید سیاست در ایران است. حکمتی که از دل تاریخ و فرهنگ ملت ایران سرچشمه می‌گیرد و در هیچ یک از مبادی اولیه و اصول موضوعه خود تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های غربی و شرقی نیست.

۱. بخشی از عنوان این یادداشت برگرفته از کتابی به همین نام است. رک: لئو اشتراوس و دیگران، علیه نظم سکولار و چند مقاله دیگر، ترجمه محمد رضا قائمی نیک، تهران، ترجمان، ۱۳۹۴.

۲. امام خمینی، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۴.



اعتلای مفهوم ملت و هویت، استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی از یک طرف و انحطاط تدریجی و تقریباً نهایی تصورات قرون وسطایی گروه‌ها و جریان‌های غرب پرست درباره پیشرفت، ترقی و تجدد ملت ایران که تماماً بر بنیاد روش‌های استعماری اروپا و امریکا قرار گرفته بود از دیگر گونی‌های این دوره است. در تمام دوره قاجاری و پهلوی، سیاست‌اندیشی در ایران در تمام ساحات مختلف و موضوعات متنوع نتوانست خود را از سلطه روش‌های اصحاب غرب پرست رها سازد. تا سال ۱۳۴۰ اسلوب یا راهی که مبارزان طریق استقلال و آزادی ایران می‌پیمودند و روش‌هایی که با آن افکار خود را بیان می‌کردند هیچ تعلق به فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی نداشت. حتی تلاش‌ها و آثار بزرگانی چون: میرزای شیرازی، سید محمد کاظم یزدی، شیخ فضل‌الله نوری، آخوند خراسانی، میرزای نائینی، سید حسن مدرس و سید ابوالقاسم کاشانی با همه ارج و قربی که در حفظ استقلال و هویت اسلامی ایران و مبارزه با استعمار و استبداد داشتند، غریبانه تحت سیطره دیوانسالاری این دوره و جریاناتی که وابسته به این دیوانسالاری بودند و تعلق خاطری به ایران و فرهنگ ایرانی نداشتند، به ثمر ننشست.

مراجعه دائم بعضی از این بزرگان به حجیت عدم امکان تأسیس حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت در دوره غیبت کبرا، که از نظر معارف و متون مرجع و اصول بنیادی اسلام غیر طبیعی می‌نمود و با شیوه استنباط و سیره پیشوایان دین به خصوص پیشوایان مکتب اهل بیت سازگاری نداشت، بیشتر به این توهّم دامن زد که گویی اسلام جز پاره‌ای احکام حیض و نفاس چیزی ندارد و آخوندها باید حیض و نفاس بخوانند... آخوندهایی که اصلاً به فکر معرفی نظریات و نظامات و جهان‌بینی اسلام نیستند...<sup>۱</sup>

درس‌گفتارهای ولایت فقیه در چنین شرایطی مطرح شد. شرایطی که سیاست در ایران فارغ از دانش‌های زمان، بر بنیاد پنداشته‌های افرادی مایه‌قرار داشت و چون صورت‌بندی‌های آن رابطه‌ای با واقعیات جامعه ایران نداشت، زندگی مردم را گرفتار مخاطره‌های ویرانگر کرده بود.

بنابراین سال ۱۳۴۸ را در تاریخ مبارزات ملت ایران باید سال مهمی دانست. بیان روشمند و هدف‌مند درس‌گفتارهای ولایت فقیه توسط امام خمینی در مسجد شیخ انصاری نجف اشرف و انتشار سریع آن در ایران، آن هم در دورانی که به سرعت زنجیر سهمگین دستگاه امنیتی و نظامی رژیم پهلوی بر گردن هر مخالفی افکنده می‌شد و اغلب گروه‌های مخالف چپ و راست تحت کنترل نفوذی‌های ساواک قرار داشتند و تمام شور مبارزاتی آنها در صدور

چند اعلامیه، شلیک چند گلوله، ترور چند امریکایی و پاسبان، آتش زدن تعدادی پاسگاه روستایی، انتشار چند شبنامه که خودشان هم به درستی از متن آنها خبر نداشتند، خلاصه می‌شد؛ و اثری از اندیشه یا عمل مستقل و برآمده از متن آرمان‌های مردم، در جایی به چشم نمی‌خورد، خبرهای درس‌گفتارهای ولایت فقیه به صحنه مبارزاتی ایران جان تازه‌ای بخشید. در چنین فضای فروبسته و نفس‌گیری شاید کسی باور نمی‌کرد این درس‌گفتارها که درون‌مایه آن در ابتدا در رساله *کشف/سرار* در سال ۱۳۲۳ ش، شکل گرفته بود. روزگاری طومار رژیم‌های استبداد پادشاهی در ایران را برچیند. بعید است که در زمان طرح این درس‌ها در نجف اشرف، حتی بسیاری از مبارزان جسور، به این زودی‌ها منتظر انقلاب در ایران و سقوط سلطنت بودند. نه چپ‌های به‌ظاهر تند انقلابی که آرمان آنها تأسیس نظام دیکتاتوری طبقه کارگر زیر سایه ابر قدرت شوروی بود، و نه ترسوترین محافظه‌کاران لیبرال مثل جبهه ملی و نهضت آزادی که امریکا و اروپا را قبله آرزوهای خود می‌دانستند و عالی‌ترین هدف آنها در این خلاصه می‌شد که شاه سلطنت کند نه حکومت، کسی در جامعه غرب‌گزیده و مسموم ایران فکر هیچ‌دگرگونی خارج از حیطه قدرت و تمایلات غرب و شرق را نداشت و برای افکار عمومی خارج، بیش از افکار عمومی مردم ایران اهمیت قائل بودند. درس‌گفتارهای ولایت فقیه زمانی مطرح شد که حتی بسیاری از اندیشه‌های الهیاتی در ایران، به پیروی از غرب، در قلمرو تقابل انتزاعی و ذهنی میان دین و دنیا، فرد و جامعه، علم و دین، سیاست و شریعت و امثال این سرگرمی‌های روز، مانده بودند و منورالافکران دانشگاه و رسانه، گرفتار قبض و بسط‌های نظریه سه مرحله‌ای تحول اجتماعی آگوست کنت، حل و فصل تکوین سرمایه‌داری مدرن و برآمدن خرده‌بورژوازی شهری در جهان سوم، گزینش نظریه‌های متناقض توسعه، سازماندهی عقلانیت ابزاری ماکس وبر در دیوانسالاری، یا فهم تمایز جهان مدرن و پیشامدرن و تقسیم کار مکانیکی از کار ارگانیکی امیل دورکیم و در نهایت گرفتار فرآیند ذوب شدن در ماتریالیسم تاریخی کارل مارکس، لنین و استالین بودند.

امام خمینی در این شرایط مرگ‌آور در محیط علمی و حوزه‌های دینی، تنها حکیمی است که در پی آن شد تا شریعت اسلامی را در حوزه سیاسی به همان صورتی که پیامبر ما بدان توجه داشت، احیا کند. و چنین بیانیه جانانه‌ای را صادر نماید. بنابراین امام خمینی را باید به خاطر شجاعت مبتکرانه و ژرف‌اندیش‌شان در سیاست ستود؛ فقیه‌ی که شجاعانه به عادات زمانه تاخت و بنیادهای نو در انداخت.

اکنون ما در آستانه پنجاهمین سال انتشار این درس‌گفتارها هستیم. رساله‌ای که در کمتر از دو دهه بنیادهای نظم سکولار ایران و جهان را بر هم ریخت و نشان داد که تقابل انتزاعی





سیاست و شریعت و دین و دنیا سرایی بیش نیست که قدرت‌های استعماری و سلطه‌گر برای تحکیم پایه‌های نظام‌های کفر آمیز و فسادانگیز خود به راه انداختند و بشر را از حکومت عقل و قانون محروم ساختند. بازخوانی مستمر این رساله به عنوان مانیفست حکومت اسلامی برای همه آنهایی که سراب‌رهایی و رستگاری بشر در مدل‌های سکولار غربی را با تمام وجود لمس کردند یک ضرورت عقلی و تاریخی است.

این روزها که جهان در بحرانی به نام کرونا، ناکامی و ناتوانی و تهی بودن عظمت دروغین بسیاری از این قدرت‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم بر آنها را از نزدیک لمس کرده و درندگی حیوانی آنها در ربودن ناچیزترین ابزار حفظ سلامتی یعنی ماسک و دستکش و امثال اینها را مشاهده نموده، شرایط برای بازاندیشی جهان در مورد نظم ناتوان و ناکارآمد و بی‌رحم سکولار بیشتر فراهم شده است.

به نظر می‌رسد نمادهایی در درس گفتارهای ولایت فقیه وجود دارد که همچنان استعداد لازم را برای بازآفرینی نظم جدید در جهان پساکولار داراست. در این یادداشت تلاش می‌کنیم به صورت اجمالی در قالب نکاتی به این نمادها اشاره کنیم.

## نکته اول:

### ولایت فقیه و مسئله‌رهایی و رستگاری فردی و اجتماعی

اولین نکته‌ای که درباره درس گفتارهای ولایت فقیه مغفول مانده است و به ندرت شارحان اندیشه‌های امام خمینی از آن سخن گفته‌اند این است که درس‌های ولایت فقیه بیان تفصیلی رساله کشف/سرار است که بعد از شهریور ۱۳۲۰ در دورانی که هنوز بشر شناخت و جسارت کافی نداشت تا به نظم سکولاری که موجب جنگ‌های خانمان برانداز اول و دوم جهانی شده و ملت‌های بسیاری را به فقر و ویرانی کشانده بود، اعتراض کند؛ امام خمینی جزو اولین متفکرانی است که علیه این نظم سکولار بی‌رحم و ویرانگر بیانیه صادر کرد و در مقدمه کشف/سرار نوشت:

در این روزها که آتش فتنه جهان را فرا گرفته و دود تاریک آن به چشم تمام جهانیان رفته و تمام ملل عالم به فکر آن‌اند که خود و کشور خود را از این دریای بی‌پایان آتش به کناری کشانند و از این فتنه جنگ مرگبار به یک سو شود و از روی ضرورت و ناچاری کشورهای اسلامی نیز با سختی و بدبختی‌هایی مواجه شدند و در زیان‌های این جنگ جهانگیر شرکت کردند. گرچه از سودهای آن بهره‌ای ندارند خوب

بود افراد این کشور نیز به فکر سعادت خود و برادران خود باشند و یک‌دل و یک‌آواز در چاره‌جویی این سپاه‌روزی‌ها بکوشند یا دست کم از فتنه‌گری‌ها و فسادانگیزی‌ها در این موقع باریک، خودداری کنند و خودشان به بدبختی خود کمک نکنند.<sup>۱</sup>

توجه اعتراضی پاره‌ای از دین‌پژوهان و سیاست‌اندیشان غربی در سه دهه اخیر به ماهیت مخرب و ویرانگر نظم سکولار، اهمیت بیانیه امام خمینی در رساله کشف‌السرار و درس گفتارهای ولایت فقیه را بیش از پیش نشان می‌دهد؛ نگارش مقالات و آثار مختلفی در اعتراض به نظم سکولار غربی از ناحیه متفکرانی چون لئو اشتراوس، جان گری، جان میلبنک، رابین جرج کالینوود و دیگران، که تازه از خواب مستی و افسونگری مدرنیته بیدار شده و جسارت آن را پیدا کرده‌اند که علیه نظم سکولاری که غرب بر جهان تحمیل کرده است و اکنون حقیقت کارآمدی، رهایی‌بخشی و رستگاری خود را در بحرانی به نام کرونا، از عمق به سطح آورده است، داد سخن دهند.<sup>۲</sup>

امام خمینی بیش از پنجاه سال پیش واقعیات این نظم مخرب را دید و شعار آن را پوچ و غیرانسانی دانست. در نظم سکولار که شعار دنیای مدرن بعد از جنگ دوم جهانی بود، مسئله اصلی و اساسی این است که رهایی و رستگاری ذاتاً مسئله فردی است نه جمعی؛ بنابراین دین که شعار رهایی و رستگاری می‌دهد ناظر به اعمال فرد است نه جامعه. این مسئله سال‌هاست که فرهنگ غربی و تمامی فرهنگ‌هایی را که دلسپرده نظم سکولار هستند در دوراهی‌های متناقضی درباره دخالت دین در نظم سیاسی-اقتصادی گرفتار کرده است؛ به گونه‌ای که برای حل این تناقض در اصل مفهوم رهایی و رستگاری که شعار تمام ادیان توحیدی و فلسفه‌های شبه‌دینی است، تردید شده است و عده‌ای از متفکران سکولار از اساس رهایی و رستگاری را وهم بشری که ربطی به واقعیت ندارد، دانسته‌اند. تمام تضادهایی که در فلسفه سیاسی غرب بین فرد و جامعه، دین و دولت، دین و دنیا، علم و دین، دولت و ملت و غیره مطرح می‌شود از تراوش‌های نظم سکولار است.

تاکنون رساله کشف‌السرار و درس گفتارهای ولایت فقیه از این زاویه مورد توجه شارحان اندیشه امام خمینی نبوده است و شایسته است دانش‌پژوهانی که اکنون در بازار دانش ایران آثار معترضین غربی نسبت به نظم سکولار را منتشر و ترویج و تعظیم می‌کنند، اندکی به داشته‌های تاریخی و فرهنگی ایران توجه نمایند.

۱. امام خمینی، کشف‌السرار، بی‌نا، بی‌تا، ص ۱.

۲. رک: لئو اشتراوس و دیگران، همان، ص ۱۶۴.





## نکته دوم:

### ولایت فقیه و ماهیت امر سیاسی<sup>۱</sup> در مکتب امام خمینی

به نظر می‌رسد نباید به ولایت فقیه در درس گفتارهای امام خمینی صرفاً به عنوان یک اصل و قاعده در قواعد فقهیه نگاه کرد. از زاویه نگاه فقهی متن‌های زیادی در طول تاریخ به خصوص در یک قرن اخیر در مورد ولایت نگاشته شده که در جای خود ارزش دارد. لیکن آنچه به نظر می‌رسد در این اثر مورد غفلت قرار گرفته است ناظر به مسئله ولایت به عنوان قاعده امر سیاسی در مکتب امام خمینی است. گویی دشمنان عمداً و دوستداران امام خمینی از روی بی‌توجهی دست به دست هم داده‌اند تا سرشت واقعی درس‌های ولایت فقیه که ناظر به ماهیت امر سیاسی در مکتب اهل بیت است را پنهان کنند؛ در حالی که سراسر درس‌های ولایت فقیه در اثبات این قاعده است. اغلب مباحثی که در چهل سال اخیر پیرامون نظریه ولایت فقیه امام خمینی توسط تکنوکرات‌ها، محققان علوم دینی، مدرسان و پژوهشگران دانشگاه، جامعه‌شناسان سیاسی و سایر اربابان عقیده و دانش نگاشته شده است به باور این دریافت انجامیده که مسئله ولایت که در اندیشه امام سرشت واقعی امر سیاسی است از این پس به موضوع نظری شناخت تبدیل شده است و رشد و توسعه‌اش فقط به آینده تحلیل و پژوهش علمی در حوزه معارف دینی بستگی دارد. در حالی که مسئله ولایت در اندیشه امام صرفاً یک مسئله نظری شناخت نیست بلکه علاوه بر آن، در کانون امر سیاسی یعنی در کانون کشمکش‌های جامعه و فضای زندگی مردم قرار دارد. یعنی هم به عنوان یک مقوله اخلاقی نگاه نیک و بد به حوزه سیاست و مؤلفه‌ها و مقوله‌های آن دارد؛ هم به رابطه میان وسیله و هدف غایی فعل سیاسی یعنی دستورها، رایزنی‌ها، روش‌ها، فنون و قواعد و اصول فرماندهی و به دست‌گیری قدرت و استفاده انسانی از آن مربوط است و هم خود ولایت مانند علم و اقتصاد و اخلاق و جامعه‌شناسی از جنبه پدیدارشناسی موضوعیت و مدخلیت دارد و نمی‌توان آن را به هیچ یک از مقوله‌ها و فعالیت‌ها فروکاست. به این شیوه در تاریخ به شکل روشمند و هدفمند کمتر سخن گفته شده است. این که چرا چنین است موضوع این یادداشت نیست و در جای خود از جنبه تاریخی و حتی مفهومی قابل بحث است. اما بحث ولایت بالأخص ولایت فقیه به عنوان قاعده امر سیاسی از دوره صفویه که ساختار سیاسی ایران سرشت و سرنوشتش با مکتب اهل بیت پیوند خورد، ماهیت اجتماعی پیدا می‌کند.

۱. این بخش، از کتاب ژولین فروند الهام گرفته شده است. رک: سیاست چیست، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران، آگه، ۱۳۸۴.

## نکته سوم:

### ولایت فقیه و احیاء بنیادهای عقلی حکومت اسلامی

خواننده دقیق و عمیق نوشته‌های امام، به خصوص درس گفتارهای ولایت فقیه، علاوه بر بازیابی بصیرت‌های مهم متألهان مشهور گذشته در این آثار، دارای فهم تازه‌ای از زندگی سیاسی می‌شود. هر ناظر باهوشی با خواندن رساله ولایت فقیه متوجه می‌شود بر خلاف آنچه در نگاه اول به نظر می‌رسد، ولایت فقیه صرفاً تفسیر فقهی و خام از سیاست نیست بلکه استدلال‌های امام در این رساله، احیای بنیادهای عقلی حکمت سیاسی شیعه در یک مدل هدفمند، روشمند و قابل اجرا در دوران جدید است.

بنیادهایی که در طول تاریخ به خاطر غلبه تمایلات اخباری در میان مسلمین، گرد فراموشی بر آن نشسته بود و پاره‌ای از فقهای شیعه در لابه‌لای روایت‌ها به دنبال روزه‌های برای اثبات نسبت سیاست و شریعت بودند. اگر چه ذخایر گرانبهای روایت در حوزه‌های اجتماعی به خصوص در مکتب اهل بیت سرشار از نشانه‌های حکمت سیاسی در نگهداری فضای زندگی اجتماعی مسلمانان است و امام خمینی هم در رساله کشف/سرار و هم در درس گفتارهای ولایت فقیه به این حقیقت اذعان دارد اما آنچه رساله کشف/سرار و درس گفتارهای ولایت فقیه را در نوشته‌های سیاسی علمای شیعه ممتاز می‌کند پایه‌های عقلی و قانونی حکومت اسلامی است.

امام در رساله کشف/سرار در استحکام پایه‌های استدلال‌های عقلی حکومت اسلامی و ولایت فقیه می‌نویسد:

ولایت مجتهد که مورد سؤال است از روز اول میان خود مجتهدین مورد بحث بوده هم در اصل داشتن ولایت و نداشتن و هم در حدود ولایت و دامنه حکومت او و این یکی از فروع فقهیه است که طرفین دلیل‌هایی می‌آورند که عمده آنها احادیثی است که از پیغمبر و امام وارد شده است. اینک ما به گفته‌های آنها کار نداریم زیرا آن بحث فقهی لازم دارد و با این مختصرها درست نمی‌شود. به علاوه اینها هم اهل فهم آن نیستند. اینجا ما یک سؤال از عقل می‌کنیم شاید مطلب را حل کند. ما که می‌گوییم حکومت و ولایت در این زمان با فقها است نمی‌خواهیم بگوییم فقیه هم شاه و هم وزیر و هم نظامی و هم سپور است، بلکه می‌گوییم همانطور که یک مجلس مؤسسان تشکیل می‌شود از افراد یک مملکت و همان مجلس تشکیل یک حکومت و تغییر یک سلطنت می‌دهد و یکی را به سلطنت انتخاب می‌کند و همان‌طور





که یک مجلس شوری تشکیل می‌شود از یک عده اشخاص معلوم الحال و قوانین اروپایی یا «خود دراری» را بر یک مملکت که هیچ چیز آنها مناسب با وضع اروپا نیست تحمیل می‌کنند و همه شماها کور کورانه آن را مقدس می‌شمرد و سلطان را با قرارداد مجلس مؤسسان سلطان می‌دانید و به هیچ جای عالم و نظام مملکت بر نمی‌خورد اگر یک همچو مجلس از مجتهدین دیندار که هم احکام خدا را بدانند و هم عادل باشند و از هواهای نفسانیه عاری باشند و آلوده به دنیا و ریاست آن نباشند و جز نفع مردم و اجراء حکم خدا غرضی نداشته باشند تشکیل شود و انتخاب یک نفر سلطان عادل کنند که از قانون‌های خدا تخلف نکند و از ظلم و جور احراز داشته باشد و به مال و جان و ناموس آنها تجاوز نکند به کجای نظام مملکت بر خورد می‌کند و همین‌طور اگر مجلس شورای این مملکت از فقهای دیندار تشکیل شود یا به نظارت آنها باشد چنانچه قانون هم همین را می‌گوید به کجای عالم بر خورد می‌کند. چه شد که مجلس مؤسسان که با زور سر نیزه تشکیل شد و همه دیدید اکنون هم حکم نافذ و درست است ولی اگر این مجلس از اشخاص مطلع صحیح‌العمل تشکیل شود و بر طبق قانون‌های خدایی باشد عیب پیدا می‌کند؟<sup>۱</sup>

همین استدلال عقلی در مقدمه کتاب ولایت فقیه هم آمده است. در آنجایی که می‌فرماید: «ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن موجب تصدیقش می‌شود و چندان به برهان احتیاج ندارد.»<sup>۲</sup>

### نکته چهارم:

### ولایت فقیه و روشمند شدن نگاه شیعه به سیاست

مهم‌ترین پرسش برای کسانی که تصور می‌کردند فقه سنتی استعداد رهبری جنبش‌های اجتماعی در دوران مدرن را ندارد چه برسد به تأسیس یک نظام سیاسی پایدار، این بود که چرا امام خمینی چنین موضوعی را برای دفاع از مدعای خود برگزید و اسم آن را ولایت فقیه گذاشت. خیلی‌ها شاید در ابتدا تصور کردند که این بحث از حکومت اسلامی در آن شرایط فرو بسته برای اسلام، و سیطره مطلق تفکرات غربی در حوزه سیاست در میان روشنفکران، دانشگاهیان و حتی حوزه‌های علمیه، یک سوءفهم احتمالی است. اما آنهایی که امام خمینی را می‌شناختند و از اراده پولادین و جدیت مذهبی وی آگاهی داشتند می‌دانستند که نویسنده

۱. امام خمینی، کشف/اسرار، همان، ص ۱۸۵.

۲. امام خمینی، ولایت فقیه، همان، ص ۳.



کتاب کشف/سرار حکیمی نیست که بدون شناخت از اوضاع و زبان زمانه به میدان آید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ش، منتقدان و مخالفان مذهب، با آزاد کردن بی سر و صدای خود از قید و بندهای دینی، سرسپردگی خود را به فلسفه سیاسی سکولار، فاقد اخلاق و ارزش و کوبیدن جاده مذهب به گونه‌ای آشکار کردند که اغلب باور داشتند تأثیر گذارترین نتیجه بی‌اعتنایی به مذهب، در نهایت بر آمدن چهره‌هایی شبیه به شریعتمداری در حوزه‌های علمیه خواهد بود، که سقف شریعت را بر ستون‌های نظام سلطانی و سکولار استوار خواهند کرد.

بعضی‌ها هم معتقد بودند که تأثیر گذارترین اثری که برای طرفداران سیاست مذهبی، شرایطی را فراهم کرده بود که شریعت، شأن و سهم اندکی در سیاست داشته باشد، کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله میرزای نائینی است. کتاب نائینی را می‌توان نمونه‌ای از تفاوت ذاتی میان حکمت سیاسی که امام خمینی به دنبال احیای آن بود و آنچه پیروان نظام سلطانی انجام داده بودند، دانست. حتی کسانی که پیش از همه نائینی را تحسین می‌کردند مثل مرحوم طالقانی و همفکرانش در نهضت آزادی، به این نکته اذعان داشتند که کتاب نائینی کتابی نیست که بتوان به کسی که خواستار کسب فهمی عملی نه تئوریک، از ساز و کار درونی نظام سیاسی مبتنی بر امامت و ولایت است، پیشنهاد داد؛ چه برسد به اینکه بر مبنای این اثر یک نظام سیاسی مردم‌سالار مبتنی بر عقاید شیعه بنا نهاد. انصاف حکم می‌کند که بگوییم خود نائینی هم قصد ارایه چنین فهمی را نداشته است. او نظریه خود را حکومت قدر مقدور در دوران غیبت اعلام کرد و ظاهراً فکر کرد که می‌توان با این ساز و کار در غیاب امام در جامعه و عدم امکان تأسیس حکومت امامت و ولایت، هنجارهای حاکم بر زندگی سیاسی شیعیان را با شریعت منطبق کرد. اما، خمینی کبیر تلاش برای دست‌یابی به فهمی جامع از امور سیاسی ذاتی شریعت اسلامی و مکتب اهل بیت و احیای آن در دل یک نظام سیستماتیک را هم ممکن و هم ضروری می‌دانست. فرق است میان کسی که به دنبال پیدا کردن جای پای برای شریعت در سیاست است با متفکر و حکیمی که سیاست را عین شریعت و تمام حقیقت دین ببیند. کتاب تنبیه‌الامه به نوعی مانیفست توجیه شرعی نظم سکولار جدیدی بود که مودبان به دنبال پیدا کردن جای پای در دیوانسالاری ایران می‌گشت و این اثر کمک کرد که این جای پانته تنها فراهم گردد بلکه توجیه شرعی هم شود. در حالی که کشف/سرار و درس‌های ولایت فقیه، اعاده حیثیت شریعت در نظم سکولاری بود که بر پیروان مکتب اهل بیت در نظام مشروطه سلطنتی تحمیل شده بود.

حکمت سیاسی شیعه که مبتنی بر ولایت بود، به تعبیر امام به خاطر دسیسه‌های استعمار و کج‌فهمی آخوندهایی که اصلاً به فکر معرفی نظریات و نظامات و جهان‌بینی اسلام نیستند،<sup>۱</sup>





سال‌ها دچار مرگ مغزی شده بود و نیاز به احیا داشت. و امام بنیادهای این احیا را بازگشت به اصل امامت و ولایت و تأسیس حکومت اسلامی می‌دانست. این احیاءگری در آن شرایط فرو بسته که مقدس‌مآب‌ها به نام دین و لیبرال‌ها به نام علم به مقابله با حکمت سیاسی شیعه آمده بودند، بسیار سخت و حتی غیرممکن نشان می‌داد. درس گفتارهای ولایت فقیه و حکومت اسلامی در نجف اشرف در جوار قطب مکتب ولایت یعنی امیر المؤمنین علی علیه‌السلام در چنین فضایی ارایه شد. نگاه کردن به این دو اثر گرانقدر امام خمینی از این زاویه بسیاری از فروبستگی‌ها و کج‌فکری‌های بعضی از جریانات وفادار به نظم سکولار در حوزه‌های علمیه را که در آینده می‌توانند از آفات انقلاب اسلامی باشند، ممکن است حل کند.

### نکته پنجم:

#### ولایت فقیه و احیای اخلاق و داوری‌های ارزشی در سیاست

رساله ولایت فقیه تلاش برای تأسیس حکمت سیاسی شیعه با تکیه بر زبان زمان بود. مهمترین ویژگی مشترک و مشهور میان تلاش‌های مدرن علمی‌سازی مطالعه سیاست در غرب که در ایران هم از دوره مشروطه به بعد شدیداً دنبال می‌شد؛ تمایز میان واقعیات و ارزش‌هاست. اثر این تمایز آن بود که علم سیاست را از انجام داوری‌های ارزشی و اخلاقی و دینی یا تلاش برای سنجش اعتبار یا اثبات آنها بی‌معنی کرد. تمایز میان واقعیات و ارزش‌ها به گونه‌ای مطرح می‌شد که گویی یک حقیقت بدیهی است که حتی سطحی‌ترین آشنایی با علم، فرد را قادر می‌سازد تا آن را بپذیرد. امام خمینی تمایز مورد نظر و استدلال‌هایی که برای تقویت مقبولیت آن ارایه شده بودند را صحیح ندانست و در رساله ولایت فقیه آن را ساخته دست استعمار دانست.

ما هم در رساله کشف/سرار و هم در درس گفتارهای ولایت فقیه، شخصیتی را می‌بینیم که تلاش می‌کند که این اصل بنیادی را به حوزه سیاست برگرداند. یکی از تلاش‌های عمده پیروان مکتب امام خمینی می‌تواند ناظر به تقویت این بحث بسیار حیاتی، که در فروپاشی نظم سکولار مؤثر است، باشد.

### نکته ششم:

#### ولایت فقیه و گذار از سیاست فیزیکی به سیاست اخلاقی و آرمانی

امام در کشف/سرار بنیادهای سیاست فیزیکی در ایران را متزلزل و در درس گفتارهای ولایت فقیه پایه‌های یک سیاست آرمانی و اخلاقی را پی‌ریزی می‌کند. ممکن است بعضی اشکال کنند که چرا از دولت پهلوی تحت عنوان دولت فیزیکی یا دولت طبیعی نام برده شده

است! برای این که اهمیت و سترگی کار امام فهمیده شود به اجمال در تفاوت یک دولت طبیعی و یک دولت اخلاقی نکاتی ذکر می‌شود. در فلسفه سیاسی می‌گویند دولت طبیعی نامی برانده هر کالبد سیاسی است که سامانش در اصل متکی به قدرت و تغلب باشد نه عقل و قانون.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر جامعه‌ای که آرمانش مبتنی بر تأمین نیازهای طبیعی انسان یعنی خوردن و خوابیدن و سایر تمایلات مشترک با حیوانات است و از گذشت و انسانیت و عدالت و سایر فضائل اخلاقی در آن خبری نیست چنین جامعه‌ای را جامعه طبیعی یا فیزیکی می‌نامند و قواعد و قوانین حاکم بر این جامعه هم همان قواعد یا قانون طبیعت حاکم بر حیات حیوانی است. این قانون بر دو قاعده استوار است: زور و تغلب یعنی جامعه فاقد عقل و قانون. امام خمینی در برداشت از آیه ۱۲ سوره مبارکه محمد(ص)، می‌فرماید:

هر کس که ملاحظه کرد که در تمتعاتش در اکل و استفاده‌ها و لذایزش به افق حیوانی نزدیک است، یعنی می‌خورد و لذت می‌برد بدون اینکه تفکر کند که از چه راهی باید باشد. حیوان دیگر فکر این نیست که حلال است یا حرام است؛ فکر این نیست که امت در گرفتاری هستند یا نیستند. آنهایی که بدون این تفکر، بدون قانون اسلامی تمتع می‌کنند و می‌خورند، اینها اکلشان اکل حیوانی است... در روایتی است که از برای کافر هفت تا معاء<sup>۲</sup> است و از برای مؤمن معاء واحد است. مؤمن یک معاء بیشتر ندارد و آن معاء قانون است؛ شکمش را، سایر لذایزش را تطبیق می‌کند با قانون اسلام، تخلف از قانون اسلام نمی‌کند. اما آن کسی که از راه شهوت می‌خورد بدون اینکه تطبیق با قانون بکند. این یک معاء، از راه غضب می‌خورد بدون اینکه تطبیق بکند با قانون، این هم یک معاء، از روی هوای نفس می‌خورد. این هم یک معاء، مزدوج است بین نفس و لذت و شهوت، بین هوای نفس و غضب، بین غضب و... این هفت تا معاء دارد مؤمن بیش از یک معاء ندارد و آن معائن از راه قانون است. اسلام هر چه فرموده است همان یک راه است... همه قوا تابع قوه عقل شدند که عقل هم تابع شرع است. برای یک همچو حکومتی که حکومت عقل است، حکومت عدل است، حکومت ایمان است، حکومت الهی است. در رفتنش عزا لازم است...<sup>۳</sup>

بنابراین در منطق سیاسی امام خمینی، حکومت‌های مبتنی بر قانون طبیعی حکومت زور و

۱. فردریش شیلر، آزادی و دولت فرزانتگی، ترجمه محمود عبادیان، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۷، ص ۲۸.

۲. معاء به معنای روده است.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۶۲-۳۶۱.





غلبه و حکومت‌های مبتنی بر قانون الهی حکومت‌های انسانی و عادلانه هستند. امام در درس گفتارهای ولایت فقیه بنیادهای یک حکومت اسلامی و اخلاقی را پایه‌ریزی می‌کند و تمام باورهای کسانی که معتقد بودند سیاست فیزیکی موجودیت دارد و واقعی است نه سیاست اخلاقی که آرمانی بیش نیست را مورد تردید قرار داد. در بندهند درس‌های ولایت فقیه، امام خمینی به دنبال آن است که انسان و جامعه فیزیکی را به مرتبه انسان و جامعه آرمانی ارتقاء دهد؛ کاری که تمامی پیامبران الهی در پی آن بودند. پیامبران آمدند که انسان فیزیکی را که اراده معطوف به قدرت، غلبه و سیطره بر آوردن آرزوها و امیال شخصی و... داشت به انسان آرمانی و اخلاقی که نه اراده معطوف به قدرت بلکه اراده معطوف به عقل و آرمان دارد، تبدیل کند.

### نکته هفتم:

#### ولایت فقیه و مسئله تضاد موجودیت و منزلت

این که جوامع فیزیکی و دولت‌های طبیعی مقید به زمان هستند و تاریخ مصرف دارند اما جوامع آرمانی و اخلاقی خودشان را از قید زمان آزاد می‌کنند یک قاعده اساسی در سیاست است. جوامع فیزیکی فقط در پی تثبیت موجودیت خود هستند و حاضرند برای حفظ موجودیت همه چیز را فدا کنند؛ حتی منزلت، هویت و اصالت‌های جامعه را. در حالی که جوامع اخلاقی به حفظ منزلت خویش در کنار موجودیت بهای بیشتری می‌دهند و حاضر نیستند این منزلت را با چیزی عوض کنند. این داستان دوگانگی موجودیت و منزلت در فلسفه سیاسی غرب قصه‌ای به درازای عمر بشر دارد و تا به امروز نیز حل نشده است. بخشی از تضاد بین دین و دنیا، دین و سیاست، دین و دانش و سایر تضادها در غرب تحت تأثیر این دو موجودیت است. امام خمینی دقیقاً در درس گفتارهای ولایت فقیه این دوگانگی را مورد حمله قرار می‌دهد و آن را ساخته دست استعمار می‌داند. کانون اصلی کج‌فهمی کسانی که به غلط تصور می‌کنند امام رساله کشف اسرار با امام رساله ولایت فقیه دو امام متفاوت هستند، همین است. امام رساله کشف اسرار موجودیت دولت فیزیکی معطوف به قدرت و زور پهلوی را به گونه‌ای می‌خواست تغییر دهد که موجودیت جامعه در هم نریزد. بنابراین در آنجا که امام می‌گوید «به رغم اینکه این اساس را درست نمی‌دانیم ولی باز هم نمی‌خواهیم آن را از هم بپاشانیم»، دلیلش همین است. فهم امام از سیاست مبتنی بود به برقراری تعادل میان موجودیت و منزلت. تمام گروه‌های سیاسی ایران چه چپ و چه راست، برای حفظ موجودیت خود و بر خورداری از بعضی امکانات و فرصت‌ها و موقعیت‌ها آماده بودند صدها بار در مقابل نظام سلطانی کرنش کنند و استعمار انگلیس و امریکا را ستایش نمایند. از نظر این جریان‌ها خود کامگی و کسب رضایت کدخداهای جهانی

اگر به موجودیت حزب، باند، گروه، خانواده و قبیله آنها لطمه‌ای وارد نکند، مجاز می‌شود؛ حتی اگر به نابودی منزلت جامعه منجر گردد. در حالی که امام به شدت از کسانی که فکر می‌کردند می‌توانند خود کامگی را از خصلت فیزیکی دولت‌های مستبد و آزادی را از خصلت اخلاقی جریان‌های مبارز جدا کنند و خود را انقلابی جا بزنند، انتقاد می‌کرد.

هم رساله کشف اسرار و هم رساله ولایت فقیه، مخزن الاسرار نگاه استثنایی امام به اصالت موجودیت همراه با منزلت در حوزه سیاسی است. تمام زندگی و سیره امام خمینی در دوران حیات اجتماعی پربارش مبتنی بر این دواصل است و ما کمتر به آثار امام از این زاویه نگاه کردیم.

### نکته هشتم:

## ولایت فقیه و دستگاه‌های الهام‌بخش آن

دستمایه درس گفتارهای ولایت فقیه اگر چه یک موضوع قدیمی در تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی است اما شیوه بیان و استدلال و نحوه استقرار آن در عصری که اغلب اندیشه‌ها ماهیت ضد توحیدی دارند و از همه مهم‌تر، بر آمدن یک انقلاب بزرگ از دل این درس گفتارها نه تنها وسیله استقرار مجدد مفاهیم کهن نشد بلکه به عنوان یک امر جدید موجب پیدایش نوآوری‌ها در حوزه سیاست و تزلزل بسیاری از افکار پوسیده به‌ظاهر مدرن در اندیشه‌های اجتماعی شد. بنابراین مشخص کردن دستگاه‌های الهام‌بخش این درس گفتارها در شرایطی که از اغلب بینش‌ها و گرایش‌های غربی سکولار در شرایط فعلی جهانی که حکومت‌ها و ایدئولوژی‌ها در بحرانی به نام کرونا خمیرمایه درونی و اصلی خود رارو کردند و از قدرت پوشالی و دموکراسی و حقوق بشر نمایشی آنها افسون زدایی شد، در جای خود هم موضوعیت و هم طریقت دارد. آنچه برای ما در شناسایی این دستگاه فکری باید اهمیت داشته باشد، صرفاً تأملات سیاسی برآمده از این درس گفتارها نیست بلکه یک امعان انتقادی و اندیشه زاینده‌ای است که در شخصیت نیرومندی چون امام خمینی در این مجموعه جمع آمده و برای خود جهانی تازه و باطراوت آفریده است. این امعان انتقادی برای رشد جامعه ایرانی و جامعه اسلامی بسیار ارزش دارد.

### نکته نهم:

## ولایت فقیه و خوانش راهگشای آن

امام خمینی نه متفکری واپس‌گرا و مقدس‌مآب بود و نه فیلسوفی کلی‌باف و عارفی دنیاگیر. پرسشی که در آثارش به‌خصوص در درس گفتارهای ولایت فقیه وجود دارد و ناظر به نفی نظم سکولار است، راهبر تفکر الهی و انسانی اوست. این تفکر نه با دنیاگریزی‌های





مقدس مآب بخشی از حوزه‌های علمیه که رهایی و رستگاری را امری فردی در حجره‌های دور از اجتماع و جامعه جست‌وجو می‌کردند و سیاست و دنیا را امری نجس می‌دانستند، سازگار بود و نه با دنیاگرایانی که همه چیز را در حفظ موجودیت خود خلاصه می‌کردند. امام در درس گفتارهای ولایت فقیه از قواعدی حرف می‌زند که به خودی خود نفی قواعد سلطانی و نفی نظم سکولار است. در قواعد سلطانی از قانون، مردم، عدالت، منزلت و هویت صحبت نمی‌شود بلکه از فرد سخن گفته می‌شود. در حالی که در ولایت از فرد و ارجحیت او صحبت نمی‌شود بلکه از مردم و قواعد و قانون و اصول عقل سخن به میان می‌آید.

می‌گویند، در اجتماع و نظامی که پیوندهای خانوادگی و اخوت‌های مذهبی و علایق مکتبی و حتی در سطحی نازل‌تر، وابستگی‌های صنفی و شغلی از بین رفته باشد مردم بسیار آمادگی دارند که تنها بر حسب منافع شخصی‌شان بیندیشند و بر وفق فردیت‌گرایی فقط در اندیشه خود باشند و دلبستگی به خیر همگانی از خود نشان ندهند. نظم سکولاری که در درس‌های ولایت فقیه علیه آن بیانیه صادر می‌شود چنین وضعیتی را در ایران فراهم کرده بود و امام به عنوان یک عالم دینی بر خود واجب می‌دانست که این نظم را در هم پیچد. خوانش رساله‌های کشف/اسرار و ولایت فقیه حضرت امام از این منظر خوانشی راهگشا است.

### نکته دهم:<sup>۱</sup>

## ولایت فقیه و معضله تضاد انسان فیزیکی با انسان فرهنگی

امام می‌دانست سیاست در همه ادوار تاریخی یک شکل عینی و یک مفهوم سنتی است که کوشش می‌کند عامل انسانی را در خود وحدت بخشد. دولت در مفهوم اجتماعی به درست یا غلط، فردیت فرد را از میان می‌برد و انسان در زمان را در انسان در اندیشه هضم می‌کند. تمام ادیان توحیدی چنین شأنی را برای خود قائل هستند که عامل انسانی را در خود وحدت بخشند. از طرفی تمامی مشرب‌ها، بینش‌ها، گرایش‌ها و ایدئولوژی‌های ساخته دست بشر نیز چنین شأنی برای خود قائل هستند که انسان در زمان را که انسان فیزیکی است به انسان در اندیشه که انسان فرهنگی است تبدیل کنند.

این فرآیند پیوسته در حال وقوع است و ظاهراً بشر گریزی از آن ندارد. حاکم در سیاست از نظر بسیاری از فیلسوفان سیاسی غرب یک انسان مصنوعی و انتزاعی است که در مقابل انسان طبیعی یا فیزیکی قرار دارد. همیشه هم آنهایی که مصنوعی هستند عظیم‌تر، نیرومندتر و مخوف‌تر از طبیعی ساخته یا تصور می‌شوند. امام در رساله کشف/اسرار و درس گفتارهای

۱. در تنظیم این بخش از فضای حاکم بر کتاب آزادی و دولت فرزاتگی فردریش شیلر بهره گرفته شد. رک: فردریش شیلر، آزادی و دولت فرزاتگی، همان.

ولایت فقیه تلاش می‌کند با مبانی اسلامی سیاست، این تضاد بین انسان طبیعی و دولت‌های ساخته دست بشر را که مصنوعی هستند، با ارجاع به مبادی اولیه خلقت انسان و هستی یعنی خدای تبارک و تعالی حل کند. این پیوستگی سیاست و شریعت وقتی اتفاق می‌افتد که نظم سکولار از هم بپاشد.

تمام ایدئولوژی‌ها، مجادلات انسانی، تعارضات بشری فاشیسم، کمونیسم، آنارشیسم، توتالیتاریسم، کمونیسم، لیبرالیسم و تمام ایسم‌هایی که در سال‌های اخیر بلای جان بشریت بودند و صدها جنگ را بر انسان تحمیل کردند، زاده نظم سکولار هستند.

### آخرین نکته

امام در رساله کشف/سرار و درس گفتارهای ولایت فقیه، به مشرب استنباطی قدما و قواعد فقهیه آن کاملاً پایبند بوده و از آن دفاع می‌کند. اما راه حل قدما در نگهداری فضای زندگی مردم و اجرای شریعت در زیر سایه حکومت‌های غیراسلامی را نمی‌پسندد. چه این راه حل ناظر به نظام سلطانی باشد، چه ناظر به نظام مشروطه. هم نظام سلطانی و هم مشروطه سلطنتی در منطق سیاسی امام خمینی زاییده نظم سکولار هستند و هر چه از دل این نظم خارج شود در دستگاه معرفت‌شناسی خمینی کبیر جایی ندارد. فکر سیاسی امام از رساله کشف/سرار تا درس گفتارهای ولایت فقیه در مفهوم حکومت اسلامی، با وجود نهایت احترامی که برای اسلاف برجسته خود قائل بود از جهت حجم، تنوع و تعقید عقاید فلسفی از تمام این بزرگان بسی فراتر می‌رود. منظور از این گزاره مؤخره، این است که برابر نهادن نام‌های بزرگانی چون شیخ انصاری، آخوند خراسانی، میرزای نائینی، آیت‌الله بروجردی و غیره در برابر امام، برای نفی یکی و اثبات دیگری نه تنها وجاهت عقلی ندارد بلکه بیش از هر چیز انسان را متوجه تفاوت‌های بی‌سابقه آنها در سبک سیاسی و شیوه سلوک با مردم و اهتمام آنها به اجرای احکام الهی می‌کند. احکامی که عقلاً تمامی این بزرگان می‌دانند که در هیچ شرایطی نمی‌تواند تعطیل شود.

هر برابر نهادی در منطق اسلامی وقتی ارزش شرعی و عقلی دارد که در نسبت با متون دینی و سیره معصومین صورت پذیرد. متون مبنایی که قاعده سنجش دیدگاه‌های متفاوت در طول تاریخ هستند در هیچ شرایطی برای ما پیروان مکتب اهل بیت که متن محور می‌اندیشیم و در فهم شریعت تابع نصوص هستیم بیش از آن که بیانگر اختلاف بین علما و حکمای ما باشد نماینده زنده بودن مکتب اهل بیت در مقتضیات زمانی است.

رساله کشف/سرار و درس گفتارهای ولایت فقیه نه تنها نماد زنده بودن مکتب اهل بیت





در پروسه پراتیک یا عمل مولد انسانی است بلکه در حوزه تفکر و تخیل هم به مراتب بالندگی خود را به اثبات رسانده است.

در درس‌های ولایت فقیه هم پروسه تفکر که مرکب از تولید مفاهیم است و در نهایت به نظریه ختم می‌شود و هم پروسه تخیل که مرکب از تصاویر است و به هنر ختم می‌شود و هم پروسه پراتیک که مرکب از اعمال و اقدامات است و رخدادها را رقم می‌زند، سرچشمه خروشان است که از آن حکمت سیاسی‌ای می‌جوشد که استعداد نگهداری فضای زندگی مسلمانان در عصر سیطره نظم سکولار را دارد.

اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالت‌اند. دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند. مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است. اما اینها اسلام را طور دیگری معرفی کرده‌اند و می‌کنند. تصور نادرستی که از اسلام در اذهان عامه به وجود آورده و شکل ناقصی که در حوزه‌های علمیه عرضه می‌شود برای این منظور است که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت باشند، آزادخواه باشند، دنبال اجرای احکام اسلام باشند، حکومتی به وجود بیاورند که سعادتشان را تأمین کند، چنان زندگی داشته باشند که در شأن انسان است.<sup>۱</sup>

۱. امام خمینی، ولایت فقیه، همان، ص ۴.